



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان  
نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶  
تلفن: ۰۲۱۸۸۶۵۴۳۹۰ شماره: ۰۷۱۹-۸۸۸۸۰۰ تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷  
امور مشترکین: تلفن: ۰۲۲-۸۸۸۱۴۲۳  
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۰۵-۶۶۲۷۲۱۳۰  
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۰۵-۶۶۷۹۵۴۴۲  
www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۲:۵۹ آذان مغرب ۱۲:۲۸ آذان صبح فردا ۵:۲۴ طلوع آفتاب ۶:۴۸

## شرق

# روزنامه

دوشنبه ۲۵ شهریور ۱۳۹۲ ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۳۴ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۳ سال یازدهم شماره ۱۸۳۳ ۱۶صفحه

## بررسی «زایش تراژدی»

شرق: از سری درسگفتارهای پاییزه موسسه پرسش، صالح نجفی از روز دوشنبه ۲۵ بهمن از ساعت ۱۷ تا ۱۹ درسگفتار «فلسفه و تراژدی: بازخوانی زایش تراژدی» را در این موسسه تدریس خواهد کرد. در این دوره سعی بر این است که زایش تراژدی با عطف نظر به مقاله انتقادی خود نیچه و تفسیر درخشان جان سالیس در کتاب نیچه و فضای تراژدی بازخوانی شود. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر و ثبت‌نام می‌توانند با شماره‌های روابط‌عمومی موسسه پرسش ۰۳-۸۸۶۵۸۶۰۴-۰۴-۸۸۶۵۸۶۰۵-۰۵-۸۸۶۵۸۶۰ تماس بگیرند.

### از هر نظری ضرر

## خلاصه ۸ سال بزرگ در ۳ خبر کوچک



پوریای عالمی

● امروز سه‌سخر که از چشم پنهان می‌ماند را چشم‌پنواز می‌کنیم و توی چشم می‌آوریم تا چشممان درآید.

**یه فرصت دیگه پهبش بده**

رییس پلیس کشور گفت: در اواخر دولت قبل اعلام شد که شش‌ماه ذخیره کالایی داریم اما بررسی‌های پلیس نشان داد ذخیره کالای اساسی کشور بین ۱۵ (روز تا سه ماه است که با اطلاع‌رسانی به موقع ما به دولت جدید این مشکل رفع شد. ۱- کاش از اوایل تا اواخر هر چه اعلام می‌شد بررسی‌های پلیس نشان می‌داد.

۲- خب، احتمالا چون قرار بود هر کسی یک زمین هزارمتری داشته باشد که توش گاو و گوسفند و مرغ نگه دارد و خورد و خوراک خانواده‌اش را خودش تامین کند، لابد طبق پیش‌بینی دولت گذشته، الان گاو‌ها به مرحله دوشین شیر و گوسفندان به مرحله کله‌پاچه و مرغ‌ها هم به تخم افتاده‌اند. جدی عرض می‌کنم منتهای همه اینها هم شده باشد، ان زمین هزارمتری هنوز تر نشده است.

۳- به نظر یک فرصت دیگر باید به دولت گذشته می‌دادیم، تا ذخیره کالایی را به سفر برسانند. حتما در نظر داشتند همه چیز باید روزانه و تازه مصرف شود، برای همین قصد داشتند اقتصاد را نابود و به جاش نظریه «روز از نو، روزی از نو» را جا بینازند، که متأسفانه وقت نشد.

**وزارت کار سیاسی؟**

رییس هیات‌مدیره کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران گفت: وزارت کار در سال‌های اخیر وارد مسایل سیاسی شده و این روند باید متوقف شود.

۱- به نظر ما وقتی در سال‌های اخیر همه سازمان‌ها و ارگان‌ها افتادند به کار و ول کن مسایل اقتصادی نبودند، طبیعی است که وزارت کار، کار نکنند و وارد مسایل سیاسی شود. ۲- حالا که باب شده که سیاستمداران کسب می‌شوند و کار اقتصادی می‌کنند، از وزارت کار تقاضا داریم، کار سیاسی را رسماً به‌عنوان شغل بشناسد.

۳- پیشنهاد می‌شود وزارت کشور و وزارت کار، ادغام شوند تا تکلیف همه با سیاستمداران روشن شود. ممنون.

**کمکم کن کمکم کن...**

در خیرها خواندیم در حاشیه یک مراسم، فردی از احمدی‌نژاد تقاضای کمک مالی می‌کند که رییس جمهوری سابق به وی می‌گوید: «باور کن من در حال حاضر هیچ پولی در جیبم ندارم»

سپس احمدی‌نژاد از الهام خواست تا اگر پولی به همراه دارد به آن فرد کمک کند.

۱- به نظر ما، مردم قضیه را جدی بگیرند و یک پولی، چیز،... به آن شماره حسابی که آقای احمدی‌نژاد توی تلویزیون اعلام کرد بریزند.

۲- ما مطمئن هستیم آقای احمدی‌نژاد حتی از جیب خودش هم برای مملکت خرج کرده که الان پولی توی جیبش نیست

۳- همین که الهام هنوز پول دارد، باعث دلگرمی است. ۴- الان فرصت مناسبی است آن همه تله درخواست، کمک که مردم به نهاد ریاست‌جمهوری دادند، پاسخ داده شود. به نظر ما، حالا که هنوز الهام توی جیبش پول مانده، بهتر است آقای احمدی‌نژاد به جای دانشگاه اتریا، پستی شود و برود به تکتک نامه‌هایی که می‌جواب گذاشتند جواب دهد. ۵- آیا او به همان اندازه که رییس جمهوری خوبی بود، می‌تواند پستی خوبی باشد؟

### ادامه از صفحه اول

## درس‌هایی از زلزله طیس

ولی گویا این تصور تا حدی تحت‌تاثیر فضای انقلابی بود و تا حدی زیر شک همیشگی (از نوع شبه‌علمی) به رویدادهای مهم مربوط بوده است! (و اینکه گویا کاسه‌ای زیر نیم کاسه است!) در ت ز دکترای دکتر «محمد آرامش» (از بازماندگان زلزله طیس) که زیر نظر اینجنابر، رساله خود را در پژوهشگاه زلزله به انجام رساند، مشخص شد که یکی از گسل‌های «کواترن» پای دامنه کوههای شتری در شرق طیس، گسل طیس بود که در صورتی که مطالعه می‌شد، حتی قبل از زلزله طیس قابل تشخیص بود. اگر چنین پژوهش‌هایی برای هر شهر دیگر ایران انجام دهیم، می‌توانیم مکان گسل‌های کواترن و گسل‌های زمین‌لرزه‌ای بالقوه بعدی را حدس بزنیم، یعنی بفهمیم که در زلزله‌های احتمالی بعدی، چه محل‌هایی ممکن است گسیخته شود. هنوز نمی‌دانیم گپ لرزه‌ای طیس، چندهزار ساله است، هنوز ریزپهنه‌بندی لرزه‌ای طیس صورت نگرفته است و همچنین هیچ تلاشی نیز برای باز زنده‌سازی بافت تاریخی (قبل از زلزله) و اساساً دوبار‌سازی بناهای تاریخی (براساس مستندسازی‌های قبلی) در طیس انجام نشده است. یکی از این مستندسازی‌ها، در کتاب جالب «طیس، شهری که بود»، نوشته مهندس «دانش‌دوست»، انجام شده است. در این مسیر باید شهرداری و شورای شهر طیس و نماینده طیس در مجلس شورای اسلامی، پیشگام شوند و میراث فرهنگی را نیز به کمک باطلبند، هویت تاریخی طیس باید به این شهر باز گردد.

### مرگ مولف

## در سالگرد درگذشت دکتر «عبدالحسین زرین‌کوب»

## نه! محال است او بمیرد



پوران فرخزاد

اینجا آمدم ... یعنی جایم را با خبرنگار مجله عوض کردم تا بتوانم شما را بیشتر بشناسم، خواهش می‌کنم از این نوع رندی‌های حافظانه دست بردارید و حقیقت را به من بگویید. کمی ساکت می‌ماند و سپس می‌گوید: در اینکه راهی هست و نردبانی که شکی نیست اما ...

به میان حرفش می‌دوم و می‌گویم: «من فقط می‌خواهم از این راه و این نردبام برایم حرف بزنید و بگویید به پله چندهم رسیدید!» به ساعت دیواری نگاهی می‌اندازد و با همان لیخند همیشگی می‌گوید: - ما همه در این راهیم، بعضی‌ها می‌دانند و با شناخت و پس از آن رنگ‌ها به‌صدا در می‌آیند و استاد از جایش بلند می‌شود، پیداست وقت تمام شده است. بدون آنکه پاسخم را بگیرم خانه او را ناخشنود اما به احترامی عمیق ترک می‌کنم، متأسفانه نتوانستم به درونش راهی باز کنم، اما حتم دارم در حال بالا رفتن از آن نردبام جادویی است؛ نردبامی که رونده را به دیدار خدا می‌برد، چه پایه پایه چنانکه جناب مولوی گفته است و چه پله‌پله که زرین‌کوب می‌گوید که زیباترهم هست، اما این نردبام در کجاست! در زندگانی جسمانی، یا روحانی، اینجا با جای دیگر، نمی‌دانم! به‌راستی نمی‌دانم!

از آن دیدار سال‌ها می‌گذرد نزدیک به هفت، هشت سال که شبی دوستی گریان در گوشی تلفن مرا از مرگ او باخبر کرده و می‌گوید: فهمیدی استاد هم به ملاقات خدا رفت؟ نه جیغ می‌زنم نه فریاد می‌کنم، و نه حتی گریهام می‌گیرد. فقط سکوت می‌کنم؛ سکوتی به گفته مارگارت بیکوت، آن بانوی شاعر آلمانی، سرشار از صدا، نه صداهای معمولی، که فریادی عظیم از زمین تا به آسمان، و عرش خداوندگار خدا! آخر مگر ممکن است انسانی با آن نبوغ درخشان، آن همه فرازنگی و آزادگی آن اندیشه سیل و بارآور و آن قلم سحر و آن همه آثار خواندنی و ماندنی مثل میلیون‌ها اسلن معمولی به همین سلاکی بمیرد و به خاک برود.

دوستی که همچنان در گوشی هق می‌کند می‌گوید: چه می‌گویی مرگ مال همه است.

و گنج‌گنج به کتابخانه‌ام می‌روم، روی کتابخانه‌ای که کتاب‌های گرانسنگ استاد صفیه‌بصفت در آن ایستاده‌اند. یک‌به‌یک کتاب‌ها را برمی‌دارم و به احترام می‌بوسم، درست است که مرگ جسمانی سال همه است اما محال است بزرگانی مثل استاد همه ما به‌راستی بمیرند! مرگ مخصوص آدم‌های بیپه‌ودای است که در خواب بدنیا می‌آیند و در خواب هم از دنیا می‌روند اما استادی همچون استاد ما

که اسر نی» را می‌داند «بهرای دانش‌پشری» را در کوزه‌ها می‌ریزد در جستار جناب حافظ، چندگاهی را در «کوچه رندان» می‌گذراند و شعله‌های تور را در روح و روح حلاج می‌بیند پیر گنجه را به «ناکجا‌آباد» هستی می‌فرستد از فصل به فصل تاریخ عظیم ایران به تیزی می‌گذرد و از «دوقرن سکوت» تاریخ میهن، به هوشیاری برده برمی‌دارد و تمامی عمر خود را پای‌ریز معرفی وطن و نام‌آوران آن می‌کند و سرانجام از هفت‌پله نردبام شوق می‌گذرد تا به دیدار خداوندگار خدا نایل شود چگونه ممکن است بمیرد حتی اگر در روز ۲۴ شهریور ۱۳۷۸ در سالگرد پروازش شرکت کنیم باز هم به جد می‌گویم که محال است او مرده باشد...

## بیپتی

## یک آهنگر، یک معلم



داریوش معمار

آثارش بر شکل‌گیری چهره جدید او نزد نسل جوان تاثیر بسیار گذاشته است. در یک جمله می‌توان گفت: نجدی نویسنده‌ای است که از تاریکی انزوا به روشنایی ادبیاتی چشمگیر برسد.

اما مهدی اخوان ثالث درست بر خلاف نجدی از همان زمان که خراسان را به مقصد تهران ترک کرد و با پدر شعر نو فارسی نیما پوشش آشنا شد سرنوشتی دیگر داشت، شعر او از اواخر دهه ۳۰ در محافل فرهنگی شهرت بسیار یافت و با عنوان شعر شکست (که نقیضی بود بر تخلص امید که بر وی گذاشته‌اند) شناخته شد، اخوان بر بسیاری از شاعران بزرگ زمان خود به‌خصوص نسل شاعران خراسانی مانند شفیع‌ی دکدنی تاثیرهایی به‌جا گذاشته که طبق نظر منتقدان حاصل آن بخشی از شعر ایشان است. یکی از معروف‌ترین اشعار مهدی اخوان ثالث شعر زمستان است، توجه به همین شعر (کم و بیش) روشن می‌کند چرا شاعر امید پس از وقایع ۲۸ مرداد چنین در گیر معنای شکست شده و چند نوبت زندان را تحمل کرده است!

از نکات توجیه دیگر در زندگی شخصی اخوان تحصیل او در رشته آهنگری در مشهد و سپس مشغول‌شدن در زمینه آموزش‌گری در تهران است. تعریف اخوان در این سه نکته معنا می‌یابد: نجات، سرخشی و مایه‌های شریف شعر و همین‌ها بوده که باعث شده شفیع‌ی دکدنی در مورد زمستان او بگوید: پس از اخوان شاعران بسیاری شعر در مورد زمستان نوشته‌اند شاید بعضی از این شعرها از بعضی لحاظ قوت بیشتری هم داشته ولی هیچ‌کدام زمستان اخوان نشده است.

### درام‌های تلفنی

## در مرحله نگارش

-خودم هستم؛ بغرمایید.
-من از پروژه پرزدگان بی‌لانه زنگ می‌زنم. اخضری هستم دستیار کارگردان.
-سلام آقای اخضری. قرار ساعت پنج لنو شد؟
-نه؛ خواستم بگم نقشتون تغییر کرد.
-چطور؟

-نقش خاله را حذف کردند. شما قراره خواهرزاده خانم سمیرا میم باشین.
-از لحاظ تفاوت سنی چه می‌کنید؟
-اونو با گرمی حل می‌کنیم.
-خدا عمرتون بده. حالا چرا اینطوری شد؟
-در مرحله نگارش به این نتیجه رسیدن که خاله وجودش ضروری نیست.



سوسن مقصودلو

-خانم گل‌پو؟
-خودم هستم، بغرمایید.
-من از پروژه پرزدگان بی‌لانه زنگ می‌زنم. اخضری هستم دستیار کارگردان.
-خوشوقتیم.
-برای بازی من راحتون شدم. شما الان سرکار نیستین؟
-ام‌رتونو بغرمایید.
-ما یک فیلم‌سینمایی داریم، قراره ۳۵روز در تهران فیلمبرداری‌شه.
-صحیح.
-اگر ببینید، ۱۰روز کار دارید.

### یادمان

## حیات و مرگ یک «حضور معترض»



مربوان حلبچه‌ای

● مرگ شیرکو بیکس شاعر بزرگ کرد شاید بزرگ‌ترین مصیبت قرن برای جامعه ادبی کرد باشد، زیرا شیرکو بیکس با بیش از نیم‌قرن کار پربر ادبی‌اش حجم بسیار وسیعی از جغرافیای گسترده شعر معاصر کردی را به خود اختصاص داده است. بیکس با نوشتن بیش از ۱۰ هزار صفحه شعر، ترنم چند کتاب، مدیریت چندین مجله و با کارنامه‌ای درخشان در زمینه روزنامه‌نگاری فرهنگی، تبدیل به چهارم یگانه در ادبیات معاصر کرد شده بود. شیرکو بیکس در سال ۱۹۴۰ در سلیمانیه به دنیا آمد از مادری کرد که روزگاری شیرکو «تنها کردستان و چشم‌های روشن زیبا و گرم او را برگزید و پدري شاعر به نام «فلق بیکس» که در آن زمان یکی از مهیبتی‌ترین شاعران کرد بود. بیکس اولین شعرش را در ۱۷سالگی در روزنامه ژین منتشر می‌کند و پس از آن در سال ۱۹۶۸ اولین مجموعه شعر خود را تحت عنوان «مهبات شعر» که بیشتر تحت تاثیر شعر گوران است به چاپ می‌رساند. سال ۱۹۶۹ با نسرین احمد ازدواج می‌کند و در سال ۱۹۷۴ به همراه تعدادی از دوستانش از جمله حسین عارف، کاکه‌م بوتانی و جلال میرزا کریم، بیانیه روانگه (دیدگاه) را منتشر کرده و خوانان نوگرایی و تغییر بنیادی در ادبیات کردی می‌شوند. شعر شیرکو را باید شعر زبان» نامید، شعری که توانایی‌ها و امکانات بیشتری به زبان کردی بخشید. اندیشه والای بیکس و کارکردنش از زبان در حیطه شعر چنان وسیع بود که او مدام با کلمات در حال مبارزه برای ابداع فرها و قالب‌های جدید شعری بود. او باور داشت هیچ مرزی برای چگونه‌شعرسردن وجود ندارد و باید کوشید از طریق زبان شعری و ایجاد فضای شاعرانه در فرهای متفاوت شعر سرود. همین‌هم باعث شد در اواخر دهه ۸۰ میلادی به این فکر بپفتد که فرم دیگری از شعر خلق کند. سرانجام به این مهم نایل آمد. شاهکار خود یعنی رمان شعر «در بند پربوله» را تقدیم ادبیات کرد. بیکس این تجربه را که تجربه بسیار موفقی شد تا آخر حیاتش ادامه داد و بیشتر از ۱۲ دفتر شعر در این قالب شعری نوشت. رمان شعرهای شیرکو بیکس با استفاده از عناصر قدرتمند دراماتیکی، زبان ویژه روایت، استفاده از ژانرهای گوناگون ادبی از جمله نمایشنامه داستان فیلمنامه مونولوگ (تک‌گویی) و خلاصه با زبانی کاملاً شعری تصویری بسیار زیبا و شاعرانه خلق می‌کرد. این نوع شعر که خاص خود او بود تعداد زیادی هم‌نسلان شیرکو و شاعران نسل بعد را تحت‌تاثیر قرار داد. عناصر اصلی شعرش را آزادی، زن و طبیعت تشکیل می‌دهند، در ۵۰سال تجربه شعری او کمتر لحظاتی را می‌بینیم که سرشار از سخن‌گفتن و تعمق در این سه عنصر نباشد. اشعار بیکس در برگزیده تاریخ تراژدی‌ها و فجایع ملت کرد است، از فاجعه حلبچه و ژینو ساید انفال گرفته تا آوارگی‌ها و دربره‌های پی‌درپی کردها، خلاصه بر آن بود: «کرد باردار قصه‌ای دو قلوست: مبارزه و مطولیمت، راه و کوچ، رنج و نبرد» طبیعت در اشعار او به اشکال گوناگون حضور می‌یابند و در شخصیت‌های گوناگون به سخن می‌آیند و آزادی زنان همپای آزادی طبیعت در تمام اشعار او حضوری همیشگی دارد. این امر را در کتاب ماقبل آخرش تحت عنوان «الکتون دختری میهنم است» به وضوح می‌شود دید. به باور من این دفتر شعر مانفست نهایی او است در این دفتر شعر شیرکو به اوج خلاقیتش در شعر می‌رسد و با وصیتنامه بسیار زرباش آن را کامل می‌کند، وصیتنامه‌ای که انگار ادامه همان فضای دفتر شعر «الکتون دختری میهنم است» می‌باشد. او در وصیتنامه خود می‌گوید می‌خواهد بعد از مرگش در پارک آزادی در میان هزاران دختر و پسر عاشق شهرش به خاک‌سپرده شود. شیرکو بیکس با مرگش دیگر با مرثولد می‌شود و به نسل‌های آینده زندگی جدیدی را آغاز می‌کند همان گونه که گوران پدر شعر نو کرد با چند نسل بعد از خود زیست و هب‌کانون به بین ماست. شیرکو فکر کرد، تا کسی همه ماست همانگونه که با همه و برای توده مردم و اعتراض حضوری همیشگی داشت، تا ابد هم هر جایی ظلم و ستم، فقر و جهالت، نابرابری و پایمال‌شدن حقوق زنان و کودکان حکمفرما باشد او «حضور معترض» دارد.

### از ۳ مهر در سینماهای سراسر کشور

پگاه آهنگرانی ، زارین بیانی ، احمد مهرافروز ، فرید سمواتی ، پرهیز طوی

# آرپیز

### فیلمی از پرویز شهبازی

تهیه کننده: امیر سمواتی



www.filmiran.com